جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۳۰۵ | شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۳ | ۵ شوال ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۳:۱۱ |
غروب آفتاب: ۲۰:۰۸ | اذان مغرب: ۲۰:۲۸ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۳ | اذان صبح فردا: ۰۴:۳۷ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۴ |

نهج البلاغه

ارزش ایثار اقتصادی (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [علیه السلام] لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ.

و درود خدا بر او فرمود: از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن، از آن کمتر است.

ساخت «سلمان فارسی» با مشارکت یک استان

رئیس مرکز سیما فیلم با بیان اینکه مجموعه تلویزیونی «پوریای ولی» به زودی وارد مرحله پیش تولید می‌شود، گفت: سریال «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری با مشارکت یک استان ساخته خواهد شد.

«محمدرضا معصوم زادگان» درباره مأموریت مرکز سیما فیلم مبنی بر ساخت آثار ویژه دفاع مقدس گفت: از سال گذشته که به سیما فیلم آمدم، معاون محترم سیما روند برنامه‌سازی در سیما فیلم و استراتژی تولید سریال در سیما فیلم را با محوریت دفاع مقدس، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی طراحی کردند.

وی ادامه داد: بنا بر این تعریف، ما یک بازنگری در کار و مأموریت خود انجام دادیم و الان شاید ۹۰ درصد آثار الف ویژه سیما در حوزه دفاع مقدس در سیما فیلم ساخته می‌شود.

معصوم زادگان درباره این تولیدات به «فارس» توضیح داد: سریال حاج احمد متوسلیان، سریال شهید چمران، سریال شهید باکری و سریال شهید تهرانی مقدم از جمله آثاری است که در مرکز سیما فیلم تولید خواهند شد. همچنین در کنار این سریال‌ها، ما آثاری را هم با موضوع دفاع مقدس داریم که آنها نیز به مرور ساخته خواهند شد و امیدوارم در مأموریت خود موفق عمل کنیم. وی در پاسخ به این سؤال که در مقطعی مأموریت سیما فیلم فقط تولید تله فیلم بود و دیگر اجازه ساخت سریال نداشت، در برنامه‌ریزی جدید، تولید تله فیلم همچنان در سیما فیلم ادامه دارد یا خیر، تصریح کرد: ما در مرکز سیما فیلم تله فیلم هم می‌سازیم و این روند ادامه دارد تنها در مقطعی تولید سریال در این مرکز به تعویق افتاده بود. در تلاشیم تا این سریال را با یک استان در حوزه مشارکت، مسائل پشتیبانی و لجستیک بسازیم.

در تبعید بر ادوارد اسنودن چه می‌گذرد؟

اسنودن: دنیای امروزی از دنیای کتاب جورج اورول خطرناک‌تر است

گزارش یک
وحید مهری

او مشروب نمی‌نوشد، در عوض کتاب‌های داستایوسکی را می‌خواند و قیافه‌اش هم هیچ تغییری نکرده است. یک سال از افشای راز بزرگ و شوکه‌کننده طرح جاسوسی سازمان امنیت ملی امریکا می‌گذرد و تحت تعقیب‌ترین مردم امریکایی که این روزها روزگارش را در روسیه سپری می‌کند، رک و راست درباره زندگی‌اش به عنوان یک قهرمان مطرود سخن می‌گوید و اینکه چرا جهان از آنچه جورج اورول پیش‌بینی کرده بود، خطرناک‌تر است.

اغلب اوقات، داستان و فیلم نزدیک‌ترین راه‌ها برای رساندن ما به دنیای جاسوسی هستند که معمولاً هم مجموعه‌ای از کلیشه‌های قابل اعتماد را تحویلمان می‌دهند. جاسوس‌های انگلیسی مردانی به شدت سخت‌گیر و لذت‌گرا هستند. مأموران مخفی روسی درشت‌هیکل و کم ابرو هستند و روی صورتشان جای زخم دارند و معمولاً سینما و کتاب‌های داستان هم پایانی تراژیک در مسکو را برای آخر قصه پناهنده‌ها و فراری‌ها در روسیه متصور می‌شوند؛ آدم‌های منزوی که در یک گوشه خلوت و تاریک می‌خزند و نسخه‌های قدیمی و اسکن شده روزنامه‌های امریکایی را می‌خوانند.

■ **تصویر دروغین امریکا از اسنودن**

مایکل هایدن، رئیس سابق سیا و مأمور اسبق سازمان امنیت ملی امریکا هم نظیر چنین سرنوشتی را برای ادوارد اسنودن متصور بود. هایدن سال گذشته پیش‌بینی کرد که تحلیلگر سابق سازمان امنیت ملی امریکا باقی عمرش را در مسکو سرگردان شود آن هم تنها، منزوی، خسته، افسرده و الکلی.

اما حالا یک سال گذشته و در چهره ادوارد اسنودن هیچ کدام از آن چیزهایی که هایدن پیش‌بینی کرده بود، دیده نمی‌شود. دو خبرنگار از روزنامه گاردین به تازگی برای کسب اطلاع از وضعیت بزرگ‌ترین افشاگر قرن امریکا به مسکو رفته‌اند. شرح آنچه دیده‌اند، همخوانی با کلیشه‌های سینمایی و داستانی هم ندارد. یک سال از تبعید او به مسکو می‌گذرد و او حتی اذعان می‌کند که نسبت به قبل کمتر احساس انزوا دارد. اگر هم افسرده باشد، ظاهرش که چیزی نشان نمی‌دهد و در پایان هفت ساعت گفت و گو با خبرنگاران حتی یک قطره هم از مشروبات الکلی استفاده نمی‌کند. لبخند می‌زند و می‌گوید: «راستش مشروب نمی‌خورم». با تکرار آنچه هایدن درباره او پیش‌بینی کرده بود دوباره می‌خندد و می‌گوید: «وقتی این را شنیدم با خودم گفتم وای هوش آنها از آن چیزی که فکرش را می‌کردم، خیلی داغان‌تر است.»

■ **اولیور استون فیلم زندگی اسنودن را می‌سازد**

اولیور استون، کارگردان ضد امپریالیسم امریکایی است که اکنون دارد درباره این افشاگر بزرگ و با اراده فیلم می‌سازد. استون از نزدیک با اسنودن در مسکو دیدار کرده است و می‌خواهد تصویری از یک قهرمان واقعی را از او به نمایش بگذارد اما اسنودن یکی از آن دست قهرمان‌های نامتعارف است. اسنودن شخصیتی ساکت و آرام دارد. او بسیار منظم و بی‌شیله‌پیله است و بسیار سطح بالا و علمی حرف می‌زند. اگر اسنودن رذالت‌های اخلاقی داشت، خدا می‌دانست که دولت امریکا و رسانه‌های زرد متعلق به آن چگونه این معایب را بیرون می‌کشیدند. ۱۳ ماه از رها کردن زندگی‌اش در هاوایی امریکا گذشته؛ مردی که برای به اشتراک گذاشتن بزرگ‌ترین حافظه پنهان محرمانه‌ترین اسنادی که جهان تا به حال درباره‌شان نه دیده و نه شنیده بود زندگی‌اش را رها کرده است، حالا (برخلاف جولیان آسانژ) حتی یک مورد رذیلت اخلاقی نیز از او گزارش نشده است.

از زمانی که زندگی جدیدش را در مسکو آغاز کرده ساعات طولانی و مستمری را پای رایانه شخصی‌اش سپری می‌کند؛ درست مانند اوقاتش در امریکا. او حتی حالا بیشتر از زمانی که به عنوان یک مأمور سازمان امنیت ملی در امریکا زندگی می‌کرد فرصت برای رفتن به بیرون از خانه را دارد و حتی ارتباطاتش از آن زمان بیشتر شده است. اسنودن دربار زندگی کنونی‌اش می‌گوید: «راستش زیاد چیزی تغییر نکرده است. می‌دانید؟ به نظرم آدم‌هایی هستند که دلشان می‌خواهد من را غمگین ببینند اما ناامید خواهند شد.» اسنودن معمولاً برای امنیت خودش در مکان‌های بی‌نام و نشان با رسانه‌های غربی مصاحبه می‌کند. آخرین بار با خبرنگار شبکه NBC امریکا در اتاق هتلی مصاحبه کرد اما نامی از هتل برده نشد. این بار او برای مصاحبه با خبرنگاران انگلیسی خودش به هتل محل اقامت آنها می‌رود. وقتی از او درباره زندگی‌اش در تبعید سؤال می‌پرسند، کمی گارد می‌گیرد. بله او خودش غذا می‌پزد و بیرون می‌رود. خودش می‌گوید: «من در پنهان کاری مطلق زندگی نمی‌کنم. زندگی کاملاً بازی دارم اما در عین حال دوست ندارم که به یک آدم مشهور تبدیل شوم. می‌دانید دوست ندارم وقتی به جایی می‌روم مردم من را بشناسند و به من توجه کنند. در مورد رسانه‌ها هم همین نظر را دارم. دوست ندارم در رسانه‌ها زیاد معروف شوم.»

■ **اسنودن این روزها داستایوسکی می‌خواند**

اسنودن در این روزها داستایوسکی می‌خواند و سریال‌های تلویزیونی را با تأخیر می‌بیند و کتاب تازه منتشر شده خاطرات «دانیل الزبرگ» -افشاگر استاد پنتاگون- را می‌خواند. اسنودن چندی پیش رمان «۱۹۸۴» جورج اورول را خوانده است و تصورش این است که دنیای امروز ما از دنیای اورول هم پیچیده‌تر شده است. جورج اورول در آغاز سال ۱۹۴۸ تصمیم به نوشتن کتابی گرفت که در آن پیش‌بینی خود از اوضاع جهان در سال ۱۹۸۴ را بیاورد و «۸۴» را به این جهت انتخاب کرد که عکس رقم ۴۸ است (سالی که در آن بود). این کتاب سال ۱۹۴۹ منتشر و در آن زمان تنها یک داستان تلقی شد. اورول در این کتاب سانسور، تحریف حقایق تاریخی، تجاوز به حریم زندگی خصوصی افراد -از قبیل استراق سمع- استبدادهای دولتی تحت نام دمکراسی و توسعه تکنولوژی و استفاده دولت‌ها از این ابزارهای تازه برای کنترل مردم و... را پیش‌بینی کرده بود و محیط زندگی سال ۱۹۸۴ را طوری مجسم کرده بود که مردم در یک جامعه ترس‌آور زندگی می‌کنند که عیناً به حقیقت پیوست و وسعت اندیشه، اطلاعات و دقت مؤلف را در پیش‌بینی رویدادها ثابت کرد و وی را به صورت یکی از مشاهیر قرن ۲۰ درآورد.

حالا اسنودن می‌گوید که جهان فعلی حتی از جهانی که اورول برای ما پیش‌بینی کرده بود هم بدتر است. از نظر او خطری که امروز ما را تهدید می‌کند، فناوری‌هایی است که روز به روز غیر قابل تصورتر و عجیب و غریب‌تر می‌شوند. در دنیای اورول صحبت از میکروفن‌هایی است که در لا به‌لای بوته‌ها جاگذاری شده یا دوربین‌هایی که داخل تلویزیون کار گذاشته می‌شوند و از شما مخفیانه فیلم می‌گیرند اما حالا ما و ب‌کم‌هایی داریم که پا به پای ما هر جا که می‌رویم همراهمان هستند. ما تلفن‌های همراهی را خریداری می‌کنیم که معادل میکروفن هستند و آنها را هر جا می‌رویم، داوطلبانه با خود در جیبمان حمل می‌کنیم. اسنودن می‌گوید تاریخ نشان داده که جهان بسیار غیرقابل پیش‌بینی‌تر و خطرناک‌تر از جهانی است که اورول در کتابش برای ما تصور می‌کرد.

گزارش ۲
مصطفی شاه کرمی

اعتراض نمایندگان به «بازی ناجوانمردانه» روزنامه اصلاح‌طلب

وقتی حرف صهیونیست‌ها در ایران زده می‌شود!

روزنامه آرمان در شماره ۲۵۲۷ شنبه (۴ مردادماه) کاریکاتوری با عنوان «بازی ناجوانمردانه» به چاپ رساند که ضمن توهین به مردم مقاوم غزه و جنبش مقاومت، سعی کرد به مخاطبان خود اینگونه القا کند که جنگ اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه صرفاً جنگی میان جنبش مقاومت و رژیم اشغالگر صهیونیستی است و مردم غزه قربانیان محتوم این نبرد هستند. در واکنش به این کاریکاتور برخی نمایندگان مجلس و نخبگان سیاسی اعلام موضع کردند، از جمله آنها حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی بود که در خصوص کاریکاتور توهین‌آمیز روزنامه آرمان نسبت به نیروهای مقاومت فلسطین، می‌گوید: در داخل کشور شاهد نوعی حرکت‌هایی در قالب تقدس زدایی‌هایی هستیم، البته این مسئله جدیدی نیست و چندی قبل هم یکی از همین روزنامه‌های همسو با این جریان کاریکاتور یکی از علما را کشیده و به تمسخر گرفته بود. امروز هم در مقابل قدرت مقاومت که چشم جهانیان را در مقابل تهاجمات جنایتکار اسرائیل غاصب و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، گرگ خیره کرده است، بعضی افراد در دو حالت با این جریان مقابله می‌کنند؛ یک حالت این است که برخی جاهلانه حرکتی را انجام می‌دهند و برای اینکه ضعف نیروی مقاومت را نشان بدهند کاریکاتوری را علیه مقاومت می‌کشند و حالت دوم این است که برخی عالمانه و مزدورانه این عمل را انجام می‌دهند. رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه در شرایط کنونی نمی‌توانیم بپذیریم که روزنامه آرمان جاهلانه چنین حرکتی را انجام داده است، اظهار می‌دارد: اینها می‌دانند در چه شرایطی قرار گرفتیم و این نوع کاریکاتورها می‌تواند به نفع اسرائیل تمام شود، بنابراین برخورد با مدیریت این روزنامه‌ها باید از ناحیه قوه قضائیه با قاطعیت صورت بگیرد، زیرا مسئله ساده‌ای نیست. محمد نبی حبیبی، دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی، در واکنش به کاریکاتور روزنامه آرمان در توهین به مقاومت و حماس می‌گوید: اینکه ما در روزنامه‌ای ببینیم موضوع مقاومت فلسطین و تجاوز رژیم صهیونیستی در قالب یک کاریکاتور توضیح داده می‌شود ولو اینکه موضوع موهنی هم در کار نباشد کار بسیار غیراخلاقی است. شعار «نه غزه نه لبنان» را که پنج سال پیش برخی از فتنه‌گران که ادعای وابستگی به اصلاح‌طلبان را دارند سر می‌دادند، با این کاریکاتور یک نوع همخوانی دارد. دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی ضمن توصیه‌ای به مسئولان روزنامه آرمان خاطرنشان می‌کند: مراقب باشید که حرف‌های پنج سال پیش در شکل کاریکاتور و بیان‌های دیگری تکرار نشود! این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که برخی رسانه‌ها و افراد مدعی شبه روشنفکری در کشورمان گاهی در جریان یک واقعه مثل جنگ اخیر اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه؛ برای گرفتن و حفظ پوزیشن انسان دوستی و بی‌طرفی شان، دست به اقداماتی می‌زنند که حتی طرف ظالمی مثل اسرائیل هم خودش چنان ادعایی ندارد! در حالی افاضات شاذی از جانب این شبه روشنفکران برخلاف مشی نظام اظهار می‌گردد که حتی مردم کشورهای غربی به خصوص مردم امریکا چند روزی است که نسبت به جنایات اسرائیل تظاهرات می‌کنند! اخیراً هم «آیلت شکد بن شائول» نماینده زن پارلمان رژیم‌صهیونیستی با عنوان کردن اینکه «کودکان فلسطینی باید کشته شوند تا فلسطین نسل جدید نداشته باشد»؛ هدف اسرائیل از این تهاجم وحشیانه را به روشنی اعلام کرده است، اما ظاهراً عده‌ای در کشور ما سعی دارند چهره دیگری از اسرائیل را به مردم معرفی کنند! نکته عجیب‌تر در این میان این است که اگر کاریکاتوریست مزبور اندکی اخبار فجایع غزه را دنبال می‌کرد حتماً ملاحظه می‌کرد افرادی که همه اعضای خانواده‌شان را از دست داده‌اند نه تنها نسبت به مقاومت گله‌ای ندارند، بلکه آنها را نیز به ادامه مقابله با تهاجم سبعانه رژیم اسرائیل تشویق و ترغیب می‌کنند. اما چه می‌توان کرد از دست این همه دایه مهربان‌تر از مادری که احتمالا منبع خبری شان رسانه‌های ماهواره‌ای و... است!

نما | حسین کشتکار

مهرشاد کارخانی از دشواری‌های فیلمسازی مستقل در سینمای ایران می‌گوید

در هر دوره‌ای یک گروه خاص رانتخوار بر خانه سینما مسلط می‌شوند

گزارش ۳
محمد مصطفی‌نژاد

مهرشاد کارخانی جزو آن دسته از فیلمسازان جوان سینمای ایران است که طی یک دهه‌ای که به عنوان کارگردان در سینماست به‌رغم پیشنهادات خوبی که برای پیوستن به سینمای گیشه‌ای و پروژه‌های سفارشی داشته اما ترجیح داده همچنان مشی مستقل خود را پی گرفته و ایده‌های ذهنی‌اش را از طریق آثاری کم هزینه به مخاطبان ارائه کند. «دربست آزادی» تازه‌ترین فیلم کارخانی است که به مانند اغلب آثار مستقل سینمای ایران اکرانی نصفه و نیمه نصیبش شد و در یکی از بدترین دوره‌های اکران همزمان با جام جهانی و با تعداد محدودی سینما روی پرده رفت.

■ **همواره فیلم‌های مستقل در اکران مهجور واقع می‌شوند**

کارخانی درباره وضعیتی که در اکران نصیب فیلم‌های جوانانی چون خودش شده است، می‌گوید: «اکران هیچ‌گاه به فیلم‌های مستقل روی خوش نشان نداده و همواره فیلم‌های مستقل در اکران مهجور واقع می‌شوند. یعنی یا زمانی مناسب برای اکران به ما تخصیص داده نمی‌شود یا اینکه تعداد سینماها کم است و محدودیت‌های اکران در شهرستان وجود دارد. با این حال به‌رغم همه این موانع باز هم آدم‌های مستقل این سینما نفس می‌کشند و فیلم‌های خود را می‌سازند.»

■ **سیستم سینمایی ما اجازه برگزاری یک جشنواره مستقل را به علاقه‌مندان نمی‌دهد**

این کارگردان درباره اینکه چرا به‌رغم این محدودیت‌ها، آدم‌های مستقل کنار هم جمع نشده و تلاشی نمی‌کنند برای دفاع از اکران آثار خویش اظهار می‌دارد: «امکانش نیست که دور هم جمع شویم. سیستم سینمایی ما کاملاً دولتی است و حتی اجازه برگزاری یک جشنواره مستقل را به علاقه‌مندان نمی‌دهند. هرگاه فقط سالی یک فستیوال مستقل در کشور ما برگزار شد، آنگاه می‌شود به فکر این بود که تشکل فیلمسازان مستقل را هم راه‌اندازی کرد.»

■ **بخش منسوب به بخش خصوصی فقط فیلم‌های خودش را حمایت می‌کند**

مهرشاد کارخانی درباره اینکه آیا چهره‌های مستقل نمی‌توانند از بخش خصوصی برای کمک به توزیع آثارشان بهره گیرند، می‌گوید: «ببینید آن بخشی که در سینمای ما به بخش خصوصی معروف شده، بخشی است شبه دولتی که با این در و آن در زدن و رانت‌هایی که از دولت می‌گیرد، فیلم می‌سازد. این بخش ارتباطات خوبی هم با سیستم توزیع فیلم دارد و البته از فیلم‌هایی که در زیرمجموعه خودش تولید شود، حمایت می‌کند اما مشکل اینجاست که آثار مستقل در زیرمجموعه این بخش هم جا نمی‌گیرد.»

■ **خانه سینما خودش هم شریک مافیاست!**

بسیاری فکر می‌کنند خانه سینما نهادی است که به منظور احقاق حق فیلمسازان در مواقعی که با آثارشان عادلانه رفتار نمی‌شود، تشکیل شده است. وقتی از کارخانی می‌پرسیم که چرا خانه سینما برای حمایت از چهره‌های مستقل کاری نمی‌کند، می‌گوید: «خانه سینما خودش هم شریک مافیایی است که همه چیز سینما از تولید گرفته تا اکران را مال خود می‌خواهد. متأسفانه با تغییر و تحولاتی که در این نهاد رخ می‌دهد نیز تنها جای آدم‌ها با هم عوض می‌شود و در خط مشی تغییری حاصل نمی‌شود و کمتر دیده‌ام که این نهاد به فکر حمایت از آدم‌های مستقل باشد.» وی ادامه می‌دهد: «در هر دوره‌ای یک گروه خاص رانت‌خوار بر این نهاد مسلط می‌شوند و طبیعی است که آدم‌هایی مثل من آزاده‌تر از این هستند که خود را وابسته به این گروه‌ها کنند.»

■ **تکلیف سینمای مستقل در کشور ما مشخص نیست**

کارگردان آثاری نظیر «ریسمان باز»، «کوچه ملی» و «اکباتان» درباره اینکه آیا چنین وضعیتی به نومیدی‌اش از فعالیت فیلمسازی منجر نمی‌شود، می‌گوید: «یا در جوی آب می‌افتیم و می‌میریم یا اینکه معجزه‌ای رخ خواهد داد اما مشکل این است که تکلیف سینما و به خصوص سینمای مستقل در کشور ما مشخص نیست. از یک طرف مدیران سینمایی مرتب از حمایت از این سینما دم می‌زنند و از آن طرف حتی فضایی مناسب برای اکران فیلم‌های مستقل فراهم نمی‌شود.»

■ **بدون پیوستن به بخش‌های دولتی یا شبه‌دولتی همین مسیر را ادامه می‌دهم**

مهرشاد کارخانی در پاسخ به این سؤال که چرا به‌رغم این همه کمبود در بخش مستقل سینما قید مسیرش را نمی‌زند و مثلاً به سمت سینماهای دولتی و شبه‌دولتی نمی‌رود، اظهار می‌دارد: «هر کسی از سینما انتظاری دارد و هر کس از فعالیت سینمایی، هدفی را دنبال می‌کند. شخصاً آدمی نیستم که برای خلق اثر سینمایی زیربار توصیه و سفارش بروم. پس بدون پیوستن به بخش‌های دولتی یا شبه‌دولتی همین مسیر را ادامه می‌دهم و هیچ افسوسی هم نمی‌خورم چون قادرم از تک تک آثارم دفاع کنم.»

پاتوق کتاب

سعید سعادت

حکایت پای دار: حاج شیخ فضل‌الله کجوری معروف به نوری فرزند ملاعباس در سوم دی ماه ۱۲۲۳ شمسی متولد شد. او در کنار فعالیت‌های علمی، به فعالیت‌های سیاسی هم می‌پرداخت و به شدت با تز جدایی دین از سیاست مخالف بود. شیخ در اوایل مشروطیت از پیشگامان و مجاهدان این نهضت بود و دوشادوش سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی به مبارزه می‌پرداخت، لذا مخالفت خویش را از مشروطه غیرمشروعه اعلام کرد. سرانجام شیخ فضل‌الله نوری را که خود از بنیانگذاران نهضت مشروطه در ایران بود، در ۱۱ مرداد ۱۲۸۸ شمسی در میدان توپخانه تهران به شهادت رساندند و در یکی از حجره‌های شمالی صحن حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپردند. تاریخ معاصر ایران فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. شاید یکی از مهم‌ترین آنها که در عین حال نقطه عطف تحولی اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شود، انقلاب مشروطه باشد که همواره از دید مورخان و صاحبنظران از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. بی‌هیچ تردید، یکی از شخصیت‌های شاخص آن دوره پرآشوب شیخ فضل‌الله نوری است که جان خود را بر سر افکار و اندیشه‌های خود در باب مشروطیت گذاشت. در کتاب «حکایت پای دار»، نویسنده کوشیده است زندگی او را از دوره جوانی تصویر کرده و سپس به جایگاه او در تحولات آن دوران بپردازد.

■■■

تاریخ بی‌خردی، از تروا تا ویتنام: بعد از جنگ جهانی دوم و ناتوانی فرانسه در حفظ سلطه خود در منطقه ویتنام، در جنوب شرق آسیا، امریکا ابتدا در پوشش اعزام مستشاران نظامی به کمک فرانسه آمد. اما پس از ناتوانی نیروهای امریکایی و بالا رفتن هزینه حضور غیرمستقیم و بدون نتیجه، در سال ۱۹۶۳م ایالات متحده به صورت آشکار و رسمی قوای خود را وارد ویتنام نمود. در چهارم آگوست ۱۹۶۴م، دو ناوشکن امریکایی که در خلیج تونکَن در ویتنام شمالی مشغول گشت‌زنی بودند از سوی قایق‌های ویتنامی موسوم به «پی. تی» مورد حمله قرار گرفتند و هر دو ناوشکن غرق شدند. واقعه خلیج تونکن در واقع آغازی بر جنگ خونین ۹ ساله در ویتنام بود که تلفاتی بسیار بر جای گذاشت. نویسنده در کتاب تاریخ بی‌خردی با دستمایه قرار دادن برخی رخدادهای معروف تاریخ جهان از عهد باستان تا امروز سعی کرده است به نقد رفتار حاکمان در مواجهه با این رخدادها بپردازد. با توجه به عنوان کتاب (از تروا تا ویتنام) به نظر وی نخستین بی‌خردی شگفت سیاستمداران تروا این است که در کمال بی‌عقلی، اسب چوبین را داخل شهر خود بردند و حقه یونانیان را درنیافتند و شد آنچه شد.

■■■

سیدجمال الدین اسدآبادی: سیدمحمد بن سیدصفدر معروف به سیدجمال، اندیشمند انقلابی، سخنور و از رهبران ضداستعماری ملل اسلامی است که در سال ۱۲۵۴ قمری در اسدآباد همدان چشم به جهان گشود. پدرش او را به کابل برد و به تحصیل علوم متنوع از جمله تاریخ، فقه، ادبیات، منطق، حکمت و ریاضیات پرداخت. سید با مسافرت به اکثر کشورهای عربی و اسلامی و با ایراد خطابه‌های پرشور، از مسلمانان می‌خواست با اتحاد و همبستگی در برابر مفاسد و حاکمیت دست‌نشانده و استعماری اروپاییان ایستادگی کنند. در نتیجه، دولت‌های دست‌نشانده تحمل چنین اندیشه‌ای را در جامعه خویش نداشتند و چندین بار او را به هند، پاریس و لندن تبعید کردند. سرانجام سیدجمال‌الدین اسدآبادی در پنجم شوال ۱۳۱۴ قمری در ۶۰ سالگی دیده از جهان فرو بست و در گورستان شیخلَر ترکیه به خاک سپرده شد.

■■■

نام‌ها و نهضت‌ها: کتاب نام‌ها و نهضت‌ها به نقش ۱۲ نفر از علمای شیعه در راهبری خط بیداری اسلامی اشاره دارد. این نام‌ها بعد از جنگ‌های ایران و روس در پنج نهضت، هویت اسلامی- ایرانی را پاسداری کردند و اعتلا بخشیدند.

■■■

بصیرت تاریخی: این اثر دومین کتاب از مجموعه کتاب‌های «و انتم الاعلون» است که به موضوع تاریخ، تفکر و تمدن می‌پردازد. «بصیرت تاریخی» نام مجموعه‌ای از نوشتارها و گفتارهایی است که محدوده زمانی پنج قرن اخیر تاریخ معاصر ایران را در بر می‌گیرد و از عصر صفویه تا انقلاب اسلامی را شامل می‌شود.

■■■

حقیقت وهابیت: با تسلط یافتن وهابیون بر مدینه، قبور ائمه شیعه و بسیاری از بزرگان اسلام توسط این فرقه منحرف ویران گردید. از جمله قبوری که در جریان این واقعه ویران گردید، بارگاه و مقبره امام حسن مجتبی(ع)، امام سجاد(ع)، امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) بود. علاوه بر ویرانی قبور ائمه شیعه، قبر حضرت عبدالله و حضرت آمنه پدر و مادر حضرت رسول(ص)، مالک، پیشوای مالکی، عباس عموی پیامبر، اسماعیل از فرزندان امام جعفر صادق(ع) و... نیز به طور کامل ویران گردید. در رابطه با فرقه منحرف وهابیت، تا کنون صدها جلد کتاب، جزوه و مقاله از سوی شخصیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی جهان نوشته شده است. برخی از لحاظ تاریخی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و برخی نیز از حیث اصول اعتقادی و مبانی دینی بطلان آن را ثابت کرده‌اند، عده‌ای دیگر نیز انحرافات اعتقادی، سیاسی و جنایاتی را که پیروان این فرقه در جهان اسلام مرتکب شده‌اند، بیان نموده‌اند. اما تبیین انحرافات اعتقادی این فرقه و پاسخ به شبهاتی که آنان ایجاد نموده‌اند با زبانی ساده و روان برای اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانانی که با استدلال‌ها و اصطلاحات علمی، ادبی، فقهی، اصولی و تفسیری آشنا نیستند از جمله کاستی‌هایی است که کمتر به آن پرداخته شده و جای آن همچنان خالی است که در کتاب حقیقت وهابیت تلاش شده به این کاستی‌ها پرداخته شود.

این کتاب‌ها را از بزرگ‌ترین سامانه حرفه‌ای کتاب، پاتوق کتاب فردا BookRoom.ir تهیه کنید.